



## در کنفرانس ۱۹ فوریه لندن، موضع رسمی جبهه ملی آذربایجان در باره «مشکلات ملی در ایران»

پس از پایان جنگ سرد و اتمام جبهه گیری متقابل کمونیسم - لیبرال دموکراسی ، ارزیابیهای ایدئولوژیکی جایگاه خود را به بیداری ملت ها مبدل ساخت. ارزیابیهای ایده لوژیکی حاکم بر جوامع بین المللی به آرشیو تاریخ سپرده شد و ملت های تحت ستم در اقصا نقاط جهان به درک هویت ملی و فرهنگی خود پرداختند. این امر پدیده نو نبود، بلکه ضمیمه این روح ملی از اول فراهم بود. یعنی از انقلاب بزرگ ۱۷۸۹ فرانسه به این طرف با رشد ذهنیت سنکولار، ایده بوجود آوردن دولتهای ملی بوسیله خلق ها به سرعت فزونی یافت، بطوریکه قبل از آغاز قرن بیستم ، دولت های ملی زیادی بوجود آمد. اما پس از انقلاب سوسیالیستی ۱۹۱۷ روسیه، از سرعت حرکت های ملی کاسته و جبهه گیری های ایده ئولوژیکی ظاهر گردید و بار دیگر ملت ها اسیر سیاستها آنتی ملی دولتهای بزرگ شدند. دهه ها بعد پس از افول بخت کشور شوراها (شوروی سابق) حرکت های ملی بار دیگر از زیر خاکستر زمان زبانه کشید. امواج آزادیخواهی حتی افیانوس ها را به تلامذ در آورد. بر تعداد دولت های عضو سازمان ملل متحد افزوده شد. در اینجا جای دارد اضافه کنم که، در دوران برخورد تاریخ با حوادث ایده ئولوژیکی، سیاستمداران آذربایجان جنوبی توانسته بودند حقوق ملی را مد نظر بگیرند. بوجود آوردن حکومت ملی به رهبری مرحوم پیشه وری نمونه بارز آن است.

امروز، هم دردنیایا، هم درخاور میانه و یا در ایران وضعیت حاکم متفاوتی بوجود آمده است. اتحادیه اروپا بر لائیک بودن دولتهای امروزی اصرار دارد. این اتحادیه در باره سیاستهای دراز مدت آینده، قراردادی را در سال ۲۰۰۴ در ایتالیا امضاء کرد. از کشورهای مسلمان تنها ترکیه در این جمع بود و قرارداد را امضاء کرده است. کشورهای شرکت کننده در رابطه با جدائی دین از حکومت را تأیید و تأکید کردند.

امواج مدرنیزه شاید کمی دیرتر ظاهر شد، اما خوشبختانه کشورهای اسلامی را هم در بر گرفته است. مانند اندونزی در بسیاری از کشورها ملت هائیکه حقوق ملی شان پایمال گشته است، به مرحله بیداری گام نهاده اند .

حقوق ملی یکی از پرنسیپ های حقوق بشر و زیربنای دموکراسی است که نمی توان به آن چشم پوشید. ما شاهد جنبش ملت های ساکن ایران هستیم که وارد مرحله جدیدی از تاریخ شده اند. تشکیلات های متنوعی بوجود آمده که در داخل و خارج برای مدافعه از حقوق ملت هایشان مبارزه بی امانی را به پیش می برند. و تشکیل چنین اجلاس ها تصادفی نیست. بلکه با توجه به این بیداری، درآینده شاهد حوادث تاریخی نوین و متفاوتی خواهیم شد.

ما، جبهه ملی آذربایجان در آذربایجان جنوبی حقوق ملی ملتمان را با توجه به منشور سازمان ملل متحد از راههای سویل و دموکراتیک مدافعه کرده و در این راه مبارزه می کنیم. همه می دانند که حکومت پهلوی با تکیه به ایده پان فارسیسم حکومتی بود ضد ملت های ساکن ایران و در زمان پهلوی ها ضربات مهلک و سختی بر روح سایر ملل وارد شده است که جبران آنها زمان زیاد می طلبد. برخی هم قابل جبران نیست.

در ایران با وقوع انقلاب رژیم عوض شد، اما میراثی که از پهلوی ها مانده بود همچنان این بار نیز با نام امت گرای حقوق ملل ایران بشدت زیر پا گذاشته شد. باینکه در ذات و ماهیت اسلام به حقوق ملت ها احترام گذاشته شده است، اما این بار مقدسات دینی هم آلت دست شوینیزم قرار گرفته و در آسمیله کردن ملل تحت ستم مورد استفاده قرار گرفته است.

جبهه ملی آذربایجان در آذربایجان جنوبی به وحدت اجباری به نام ایران اعتقاد ندارد و به تعیین سرنوشت ملت آذربایجان معتقد است. سه پرنسیب را برای خود آماج قراردادده است: با انتخابات آزاد ایجاد حاکمیت ملی در داخل سرزمین های تاریخی (قوه مقننه - قوه مجریه- قوه قضائیه)  
باتکا به این استراتژی جبهه ملی آذربایجان به سنکولاریزم معتقد است. به باورهای دینی ملت آذربایجان با احترام می نگرد و باور هایی که بخواهد با تکیه بر امت گرایی به ملیت لطمه بزند بشدت مخالف است.  
جبهه ملی آذربایجان معتقد است، برای مقابله با تخریبات شونیزم فارس و وصول به آرمانهای ملی، باید ملت های تحت ستم در کنار هم با یک سیاست و در یک جبهه متحد عمل نمایند زیرا درد ما مشترک است و می توانیم خوب هم دیگر را درک کنیم. این ملت های تحت ستم در حقیقت در وهله نخست خودشان متفق همدیگر هستند. یعنی تورک، ترکمن، عرب، کورد و بلوچ ! باآرزوی موفقیت !

جبهه ملی آذربایجان

۱۹/۰۲/۲۰۰۵

لندن